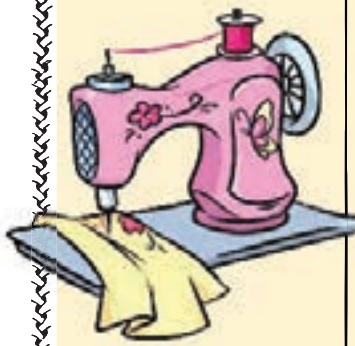




صفحه ۷  
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره ۱۰۵

## گشاد نیست؟!

می دهند و گشاد که نیست، هیچ کوتاه و تنگ هم هست!) هرچه خیاط غیرمردمی و ویژه مسئولان ما به آن ها می گفت یا بیایید لباس ها را اندازه تان کنیم یا لباستان را تحویل یکی بدهید که اندازه اش باشد. گوش نمی دادند و خودشان می پریدند و می دوختند. می گفتند ما خودمان چندتا پیراهن [از مردم] بیشتر پاره کرده ایم و می دانیم که در فرصت محدود خدمت به مردم نباید وقت خود را صرف لباس و خیاط کرد. بچه ها اندازه ما دستشان است، می روند خارج، لباس هایی در قد و قواره ما می آورند! خیاط هم وقتی دید دیگر کسی اندازه ای نگه نمی دارد که نکو باشد، آخرین لباس گشاد را برای خودش دوخت و رفت برای مدیریت اتحادیه اصناف کاندیدا شد. انتخاب که شد، من را فروخت به سمساری و در لباسی که دوخته بود، روی صندلی مدیریت، خودش را گم کرد و در کوزه افتاد.



پسر آقای سمسار با شلوار لی پاره می آید سمساری. به زبان چرخ خیاطی ها که از سوزنی سمرقندی یاد گرفته ام، می گویم: «سوزوسوزن، سوزوئزن، چی چی می زن؟! بزن بزن تا کی بزن!» که به فارسی سخت می شود «زشته به خدا با این شلوار لی پاره پوره می آی پشت پاچال وامیستی. مردم نمی گن این پسره چی می زنه؟! زنش بدین، آدم می شه. نشد، این قدر بزنینش تا صدای لولای دریده!»

من حتی حاضر بودم با اینکه عمری ازم گذشته و لباس های آدم های مهمی را دوخته ام، خودم پارگی های [شلوار] این پسرک را بدوزم، ولی خب گوشش بد حکار نیست و می گوید «مُده!» پسرک حتی تنبان پاره را بالاتر نمی کشد که ویوی ابدی ندهد! قدیم ها این گونه نبود که بروند لباس مد، آن هم از بوتیک و موتیک بخرند. می رفتند پیش خیاط و خیاط اندازه می گرفت و لباسی می دوخت که نه تنگ باشد و نه به تن زار بزند. من هم چرخ خیاطی خیاط مهمی بودم، خیاط ویژه مسئولان، آن ها می آمدند و برایشان کت و شلوار می دوختم، ولی خب نمی دانم مسئولان رژیم می گرفتند یا خیاط اندازه ها را اشتباه می گرفت. چون بعد از مدتی لباس ها به تن آقایان گشاد به نظر می رسید. (برخلاف خیاط های مردمی که مشتریان شان با فرستادن عکس مدل های اینستاگرامی، سفارش

تتلو:  
قصدم ترویج ماده مخدر نبود، می خواستم برای کسانی که به مشروبات الکلی و ماده مخدر آلوده هستند، جایگزین گیاهی معرفی کنم تا ضرر کمتری داشته باشد، اما اشتباه بود. (خبر آنلاین)

هالک ایرانی:  
قصدم ترویج فتوشاپ نبود، می خواستم کسانی را که گرفتار لاغری هستند، به ورزش تشویق کنم.

بایدن:  
قصدم ما سرکوب دانشجویان حامی فلسطین نبود، می خواستیم برای ساعت های خالی شان جایگزین مناسب پیدا کنیم، به همین دلیل آن ها را فرستادیم زندان تا هوا بخورند.

چوپان دروغگو:  
قصدم دروغگویی نبود، می خواستم برای کسانی که ترس از مواجهه با گرگ دارند، وضعیتتی ایجاد کنم تا ترسشان بریزد.

خودروساز:  
قصدم ما کاهش کیفیت خودروها نیست، می خواهیم برای کسانی که به غفلت از یاد مرگ آلوده هستند، جایگزین معرفی کنیم تا دائم به یاد اون دنیا بیفتند.